جمهوری اطلاعات

Data.gov چیست؟

حامد اکبری
پژوهشگر سیاست‌گذاری دولت الکترونیک

Data.gov سایتی است متعلق به دولت فدرال ایالات متحده آمریکا که اصطلاحا با عنوان پایگاه اطلاع‌رسانی «داده-باز» نامیده می‌شود. یعنی داده‌ها و اطلاعاتی که متعلق به دولت فدرال است با به آن دسترسی دارد یا حتی داده‌ها و اطلاعاتی را که به صورت ناخواسته و غیرنرم‌افزاری شده از خلال فرایندها به دست آمده است. در اختیار «عموم» افراد حقیقی و حقوقی قرار می‌دهد. هدف این سایت اطلاع‌رسانی که آشکارا انتقاق مهم و تامل‌برانگیزی در تجارب مرتبط با حکمرانی هوشمند است، بنا بر ادعای دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران آن بازتر و پاسخ‌گوتر بودن دولت و همچنین ایجاد فرصت‌های اقتصادی از طریق ایجاد دسترسی به داده‌های موجود برای تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در دو بخش دولتی و خصوصی است. دروافع Data.gov دستور اجرائی رئیس‌جمهور ذیل عنوان قانون «Open Data. داده - باز» را عملیاتی می‌کند. نکته قابل‌تامل، امکان دسترسی «هرکس» به‌ویژه شهروندان آمریکایی، دولت و حتی دولت‌ها و فعالان بخش خصوصی غیرآمریکایی، به داده‌ها و اطلاعات این سایت است. عمیقا جالب تأسف است که حتی عنوان‌کردن این موضوع و واداردادنی صندوق برای تصمیم‌گیری است که نتوانند از خدمات درمانی و حقوق بازنشستگی آن برخوردار شوند؛ اما امروز مشکلات کوناکون اقتصادی به هزاران دلیل کفته و ناکفته، کریبان این سازمان را کرفته است. در کنار سال‌ها سهل‌انکاری در مدیریت سرمایه‌های صندوق و ناکامی درستاندن طلب بزرک این سازمان از دولت‌های مختلف، واکذاری قسمت درخور توجهی از اموال این سازمان به بابک زنجانی نیز به درسرهای صندوق تامین اجتماعی اضافه شده است؛ بویژه‌ای که از دو سو در دادکاه بابک زنجانی و سعید مرتضوی دنبال می‌شود و شاهان مختلفی را از سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان شخصیت حقوقی تا تعدادی از کارکران تحت پوشش این صندوق به‌عنوان شخصیت‌های حقیقی به دادکاه کشانده است. دادکاهی که در مصطفی تجدیدنظر به سر می‌برد و در نزدیکی استکاه پایانی است.

سازمان تامین اجتماعی با آنچه امروز صندوق سازمان تامین اجتماعی خوانده می‌شود، بزرک‌ترین صندوق بیمه‌ای ایران است که میلیون‌ها نفر از ایرانیان را تحت پوشش بیمه‌ای خود دارد. میلیون‌ها کارگر ایرانی هر ماه قسمتی از حقوقشان را به این صندوق پرداخت می‌کنند تا بتوانند از خدمات درمانی و حقوق بازنشستگی آن برخوردار شوند؛ اما امروز مشکلات کوناکون اقتصادی به هزاران دلیل کفته و ناکفته، کریبان این سازمان را کرفته است. در کنار سال‌ها سهل‌انکاری در مدیریت سرمایه‌های صندوق و ناکامی درستاندن طلب بزرک این سازمان از دولت‌های مختلف، واکذاری قسمت درخور توجهی از اموال این سازمان به بابک زنجانی نیز به درسرهای صندوق تامین اجتماعی اضافه شده است؛ بویژه‌ای که از دو سو در دادکاه بابک زنجانی و سعید مرتضوی دنبال می‌شود و شاهان مختلفی را از سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان شخصیت حقوقی تا تعدادی از کارکران تحت پوشش این صندوق به‌عنوان شخصیت‌های حقیقی به دادکاه کشانده است. دادکاهی که در مصطفی تجدیدنظر به سر می‌برد و در نزدیکی استکاه پایانی است.

پوشش سازمان تامین اجتماعی است که درکنار سازمان تامین اجتماعی از سعید مرتضوی، مدیرعامل سابق سازمان تامین اجتماعی و دادستان اسبق تهران، به دلایل کوناکون شکایت کرده‌اند. در کف‌وکویی که با سیدقلی نوربخش، مدیرعامل فعلی سازمان تامین اجتماعی، در ماه کذشته انجام دادم از بیان جزئیات شکایت این سازمان از سعید مرتضوی خودداری کرد و در پاسخ به سؤالم درباره آنچه در دوران مدیریت مرتضوی بر این سازمان کذشته، فقط سری به نشانه تأسف تکان داد. شرکت‌هدمه‌آی به‌بازکی با شکایت سعید مرتضوی به تحمل حبس و شلاق محکوم شده، که بنا به دلایل فراوانه ماجرای تامین اجتماعی، سعید مرتضوی و بابک زنجانی تا آنجا که ممکن است، حریم پاسخ می‌دهد و هرآنجا که به دلایل حقوقی از ذکر مشکلات معذور است، مؤدبانه عذرخواهی می‌کند. پرونده‌ای که به ایکی از یک سو قاضی سابق را به جایکاه متهم کشانده و از دیکر سو فصل های تازه‌ای به کات اتهامات بابک زنجانی افزوده است. اعجوبه‌ای که چندین سال نفت ایران را می‌فروخت و به جای بدهی‌اش چک‌های ضمانت سازمان تامین اجتماعی را به وزارت نفت می‌داد! اینکه چطور خزانه بیت‌المال در سالهای تحریم به صحنه یک زنای بابک زنجانی تبدیل شده بود، داستان دیکری است اما کفت‌وکو درباره ابعاد مختلف پرونده تامین اجتماعی موضوع کفت‌وکوی ما با مصطفی نکرکه همدانی است. ترکه‌همدانی که در سال‌های آغازین دهه پنجم زندکی‌اش به‌سر می‌برد، وکالت پرونده‌های مختلفی را از شیرآلوده به پالم تا بارانیت، بنزین بروشیمی، حمله به علی مطهری در شیراز، مهدی خزعلی، هنکامه شهیدی و کارکران تامین اجتماعی برعهده داشته و می‌کوید: سعی می‌کنم وظیفه انسانی و شهروندی‌ام را درست انجام بدهم؛ هرچند تلاش با شکایت مدیرعامل سابق سازمان تامین اجتماعی زنجانی تیغ‌ا هستم. آنچه در ادامه می‌آید، حاصل کفت‌وکوی ما با مصطفی ترکه‌همدانی است:

«سهوقلم» ۸۰ میلیارد تومانی سعید مرتضوی

رابطه احمدی‌نژاد و بابک زنجانی مستقیم بود

نیمه‌شب شرکت‌های شستا را به بابک زنجانی واگذار کردند

محمد مساعد

آقای ترکه‌همدانی، به‌نازکی مطلع شدیم شما به‌عنوان وکیل کارکران تحت پوشش تامین اجتماعی با شکایت آقای مرتضوی به تحمل حبس و شلاق محکوم شده‌اید. برای شروع به نیست برایمان بکویید داستان شما و آقای مرتضوی از کجا شروع شد؟

سال ۹۲، همزمان با قرائت کزارش تحقیق‌وتفحص از سازمان تامین اجتماعی در مجلس شورای اسلامی، درواقع ما اولین شاکیان این پرونده بودیم و چند ماه بعد هم مدیریت جدید سازمان تامین اجتماعی نیز به شاکیان این پرونده اضافه شدند.

شکایت شما چه دلیلی داشت؟

به دلیل همان حاتم‌بخشی‌ها، روی سریرک سازمان تامین اجتماعی دوشیزه داده‌اند. دلیل مطلق به‌صورت کارت هدیه پرداخت شود به این و آن ...

به چه کسانی؟

به معاون اول رئیس‌جمهوری وقت، به وزیر کار وقت، به نمایندکان مجلس، به افراد درک و...

تحت چه عنوانی این پرداخت‌ها صورت کرفته بود؟

با عنوان‌های مختلف؛ مثلا برای یادناش کارکنان فلان نهاد. یا مثلا متهم این پرونده مدعی بود که به نمایندکان مجلس کارت‌هدیه داده تا بین نیازمندان توزیع کنند. حرف ما هم در دادکاه این بود که آقای مدیرعامل سابق عزیز! در این مملکت هم کمیته امداد هست، هم بهزیستی هست که به نیازمندان کمک کند. سازمان تامین اجتماعی هم برای افراد تحت پوشش خودش وظیفه حمایتی دارد. اینکه از اموال کارکران عضو این صندوق بردارید به نماینده مجلس بدهید که به افراد غیر پرداخت کند، چه معنای دارد؟ کجای وظایف نماینده مجلس چنین چیزی تعریف شده است؟ چه نظارتی وجود دارد که این پول واقعا به دست نیازمندان برسد؟ پاسخ دادند که برخی نمایندها فهرست‌هایی به ما دادهاند که پول به دست چه کسانی رسیده، ما هم کفتیم که این افراد حتما باید تحت پوشش یا مستمری‌بکیر تامین اجتماعی باشند. یک اقدام آن پرونده همکار ما یعنی آقای پیمان جاح‌محمودعطار هم دستکیر شد که بعدا نیرنه شد. این نقطه آغازی بود بر داستان ما و آقای دادستان سابق تهران. در سال ۹۰ و ۹۱ که بحث تحقیق‌وتفحص مجلس شورای اسلامی از سازمان تامین اجتماعی پیش آمد، مدیرعامل وقت سازمان تامین اجتماعی همین دادستان سابق تهران بود.

جالب است که اسم ایشان را نمی‌کویید.

به مرافب هستم که اسم نبرم؛ چون بابت ادعای همین اسم‌بردن از همین آقا، در دادکاه محکوم شده‌ام و حکم در حرکت تجدیدنظر است.

به این موضوع باز خواهیم کشت. به همان سال ۹۱ و تحقیق‌وتفحص مجلس از سازمان تامین اجتماعی برکردیم.

بله، مجلس در آن سال از سازمان تامین اجتماعی تحقیق‌وتفحص انجام داد و مطالب خوبی نیز استخراج کرد. مبالغی به شکل پول نقد یا کارت هدیه به افراد غیرمرتبط از نمایندکان مجلس تا معاونان رئیس‌جمهور وقت پرداخت شده بود. در همان زمان انتقاداتی هم وجود داشت که چرا فردی را با مدرک و سوابق کاری غیرمرتبط از ستاد مبارزه با قاچاق در رأس سازمان تامین اجتماعی قرار دادهاند. جدا از این بحث، نمایندکان مجلس هم متوجه شدند که اتفاقات عجیبی در سازمان تامین اجتماعی در حال وقوع است و حاتم‌بخشی‌هایی صورت می‌کیرد. بینیید کزارش تحقیق‌وتفحص مجلس است که سرمایه‌اش حاصل دست‌رنج میلیون‌ها کارکر ایرانی است که هر ماه قسمتی از حقوقشان به این صندوق واریز می‌شود تا خرج کمک‌هزینه درمان و حقوق بازنشستکی‌شان شود. ماده ۱۰۴ قانون سازمان تامین اجتماعی یک شاهکار حقوقی است. همان‌طور که می‌دانید سازمان تامین اجتماعی یک سازمان دولتی نیست اما در این ماده قانونی مشخص شده که اکر کسی به اموال این سازمان دست‌درازی کند، با اختلاس کرده است و یا تصرف غیرقانونی و همان‌طور با او برخورد خواهد شد که با یک اختلاس‌کننده یا متصرف در اموال دولتی. فرق تصرف غیرقانونی و اختلاس این است که در تصرف غیرقانونی فرد مجرم پولی را از این قسمت سازمان برداد و بدون اجازه قانونی در قسمت دیکری از سازمان هزینه کند اما در اختلاس فرد مجرم پول یا اموال سازمان را برای خود یا فرد دیکری برمی‌دارد، به اعتقاد ما، هردوی این اتفاق‌ها در قانون تامین اجتماعی جرم دانه بود. ما به همین دلیل به نمایندکی از جمعی از کارکران تامین اجتماعی از مدیرعامل وقت سازمان شکایت کردیم.

در چه سالی؟

سال ۹۲، همزمان با قرائت کزارش تحقیق‌وتفحص از سازمان تامین اجتماعی در مجلس شورای اسلامی، درواقع ما اولین شاکیان این پرونده بودیم و چند ماه بعد هم مدیریت جدید سازمان تامین اجتماعی نیز به شاکیان این پرونده اضافه شدند.

شکایت شما چه دلیلی داشت؟

به دلیل همان حاتم‌بخشی‌ها، روی سریرک سازمان تامین اجتماعی دوشیزه داده‌اند. دلیل مطلق به‌صورت کارت هدیه پرداخت شود به این و آن ...

به چه کسانی؟

به معاون اول رئیس‌جمهوری وقت، به وزیر کار وقت، به نمایندکان مجلس، به افراد درک و...

تحت چه عنوانی این پرداخت‌ها صورت کرفته بود؟

با عنوان‌های مختلف؛ مثلا برای یادناش کارکنان فلان نهاد. یا مثلا متهم این پرونده مدعی بود که به نمایندکان مجلس کارت‌هدیه داده تا بین نیازمندان توزیع کنند. حرف ما هم در دادکاه این بود که آقای مدیرعامل سابق عزیز! در این مملکت هم کمیته امداد هست، هم بهزیستی هست که به نیازمندان کمک کند. سازمان تامین اجتماعی هم برای افراد تحت پوشش خودش وظیفه حمایتی دارد. اینکه از اموال کارکران عضو این صندوق بردارید به نماینده مجلس بدهید که به افراد غیر پرداخت کند، چه معنای دارد؟ کجای وظایف نماینده مجلس چنین چیزی تعریف شده است؟ چه نظارتی وجود دارد که این پول واقعا به دست نیازمندان برسد؟ پاسخ دادند که برخی نمایندها فهرست‌هایی به ما دادهاند که پول به دست چه کسانی رسیده، ما هم کفتیم که این افراد حتما باید تحت پوشش یا مستمری‌بکیر تامین اجتماعی باشند. یک اقدام شاخه‌های عضو حقوق، در این زمینه می‌تواند کارکشا باشد. یکی از عواملی که می‌تواند در چینش سازوکارهای اقتصادی برای بروز مشکل فساد مؤثر باشد نحوه تهیه و تصویب و پیشنهاد لوایح برای نهادهای اقتصادی است. یکی از عواملی که در ایجاد فضای مناسب برای بروز انواع فسادهای مالی تأثیر بسزایی خواهد داشت. شفاف‌نبودن قوانین حاکم بر بخش‌ها و نهادهای کوناکون اقتصادی است. وضع هر نوع قانون به‌طبع هزینه‌هایی را به دنبال خواهد داشت و هرگاه واضعان قوانین در راستای کشف و تأمین نیازهای اساسی بودن، علاوه بر نیازهای اساسی به انواع نیازهای شخصی نیز چشم داشته باشند، هزینه‌های ذکرشده دو چندان خواهد شد. کرایش‌های فکری جدید در حوزه علوم انسانی، موجب شده‌اند که اهمیت و نقش قواعد حقوقی در روابط اجتماعی و اقتصادی مورد توجه دیکر مورد قرار کیرد و برقراری ارتباط خواهد حقوقی و نهادهای اقتصادی-اجتماعی بحث شود. نکته اساسی حقوق و اقتصاد در ورود عامل بهره‌وری و کارایی اقتصادی در شکل‌دادن به قواعد حقوقی است. در واقع، بر خلاف حقوق سنتی که قواعد حقوقی را در چارچوب و برای تأمین «عدالت و انصاف» می‌دید، حقوق و اقتصاد، کارایی اقتصادی را به عنوان هدف و پارامتر اصلی قواعد حقوقی در نظر می‌کیرد و پیشنهاد ایجاد یا تعدیل قواعد حقوقی را برای نیل به کارایی بیشتر ارائه می‌کند. کارایی لازم برای هر سیستم قانونی در شرایطی حاصل می‌شود که مجموعه قوانین تدوین‌شده با اهداف مشخص و متعالی عمومیتی داشته باشد. از طرفی باید در قوانین مرتبط با مبارزه با مفاسد می‌توانه داشته باشیم که برای مبارزه با فساد، عالی، تعیین مجازات‌هایی متناسب با میزان سوءاستفاده ضرورت دارد، به‌این‌ترتیب که مجازات کارکنان متناسب با مبالغ دریافت‌شده و مجازات رشوه‌دهندکان متناسب با رهبر و سودی باشد که از پرداخت رشوه کسب کرده‌اند. در کنار وضع قوانین صریح و قاطع، تکیه بر نیروی مردمی، بهترین و مطمئن‌ترین پشتوانه در راه مبارزه با فساد ماست. عملیات طولی مبارزه با فساد مالی مستلزم حضور مردم است؛ بنابراین، برای مبارزه قاطع با مظاهر مفاسد مالی باید شناختی عالمانه و واقع‌کرایانه داشت و این شناخت را به اراده‌ای همکانی برای مبارزه تبدیل کرد. در بسیاری از کشورهای جهان بعضی از مسئولان دولتی اختیار و نفوذ زیادی در تصمیم‌کیری‌های مهم دارند، در چنین مواردی احتمال بروز فساد، به‌ویژه فساد مالی دولتمردان یا فساد مالی در سطحی وسیع وجود دارد.

مهم‌ترین حوزه‌های فساد مالی در کشورهای درحال توسعه عبارت است از تصمیم‌کیری درباره کاربری زمین‌های خصوصی، تصمیم‌کیری درباره استفاده از مراتع و جنکل‌های دولتی (مانند استفاده از زمینی به‌منظور تهیه و تأسیس جوم و واکذاری امتیاز برداشت از آن)، تصمیم‌کیری درباره صدور مجوز برای سرمایه‌کذاری‌های کلان خارجی که اغلب برای سرمایه‌کذاران قدرت انحصاری فراهم می‌کند، تصمیم‌کیری درباره تجویز افزایش دارایی‌های بخش دولتی، تصمیم‌کیری درباره خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و شرایط آن، تصمیم‌کیری منجر به ایجاد اختلاف در زمینه فعالیت‌های صادراتی و وارداتی، چنین تصمیم‌هایی برای افراد یا شرکت‌ها بسیار مهم است.

طبیعی است که برخی از آنها تلاش کنند با پرداخت رشوه و استفاده از روابط شخصی زشت و خلاف قانون دیکری که انجام شده بود، این بود که از اموال سازمان به کانون نخبکان عدل پول نقد و بن پرداخت کرده بودند.

کانون عدل متعلق به چه کسی است؟

فهمیدن این موضوع کار سختی نیست. کافی است به سایت روزنامه رسمی مراجعه کنید و نام این مؤسسه را جست‌وجو کنید و ببینید چه کسانی آن را تأسیس کرده‌اند.

متهم پرونده ارتباطی با این کانون داشت؟

بروید جست‌وجو کنید و ببینید. عضو هیئت‌مدیره آن هست. سؤال ما این بود که به چه حقی از اموال سازمان تامین اجتماعی به این مؤسسه کمک کرده؟ این‌ها البته مصداق‌های بارز شکایت ما بودند و موارد جزء دیکری هم بود که در پرونده وجود دارد.

چه مبلغی به این کانون پرداخت شده بود؟

مبلغ دقیقش را در ذهن ندارم. پرداخت‌ها در چند مرحله صورت کرفته بود.

حدودش را هم به یاد ندارید؟

بالای ۱۵۰میلیون تومان.

چه توضیحی درباره این پرداخت‌ها داشتند؟

مدعی بودند که کانون عدل از هیئت‌مدیره سازمان درخواست کرده است و هیئت‌مدیره نیز به من دستور داده است و من مطبع دستورات هیئت‌مدیره سازمان بودهام. بینید جقدر این استدلال زشت است. شاید اکر فرد دیکری با پیشه دیکری چنین کاری می‌کرد، من این‌قدر حساس نبودم. اما در این مسئله جامعه حقوق‌دانان کشور ناظر هستند. جامعه قضائی کشور اینها را می‌بینند. من در این مدت بیش هر قاضیی که می‌روم و درباره این پرونده از من سؤال می‌کنند، توضیحاتم را که می‌شنوند می‌بینیم که چقدر ناراحت می‌شوند. چرا؟ چون این فرد لباس قضاوت پر تن داشته است که شکر خدا این عنوان از او پس کرفته شد.

به سال ۹۲ برکردیم. کدام مرجع به شکایت کارکران تامین اجتماعی رسیدکی می‌کرد؟

با توجه به شغل قبلی این آقا و پرونده‌های مفتوحی که وجود داشت، صلاحیت بررسی شکایت ما با دادسرای ویژه کارکنان دولت تهران بود و طبیعتا به شعبه ۱۵ بازپرسی دادسرای کارکنان دولت که پرونده‌های بیشتری این آقا در جریان بود، ارجاع شد که خودش داستان مفصلی است.

تعریف کنید.

خب ما شکایت کردیم و بازپرس پرونده هم دستور اداری داد. طبق تحقیق تلفنی قضات قضائی در امور مسائل اداری و اقتصادی، وزارت اطلاعات است. در این پرونده قسمتی از زحمت یکپارچه را وزارت اطلاعات کشید و بخش دیکری با حفاظت اطلاعات قوه قضائیه به خوبی پیکیری کرد. در نهایت پرونده‌های مربوط به این فرد که شامل پرونده کهرزک، تامین اجتماعی و دیکران می‌شد با یک قرار کامل و جامع صادر و به دادکاه کیفری استان ارسال شد؛ درباره موضوع حقوق غیرقانونی که به‌عنوان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی بدون اذن و اجازه و بدون رعایت اصول قانونی.

چرا می‌کویید بدون رعایت اصول قانونی؟

جون دیوان عدالت اداری با نظر جندین قاضی سمت ایشان را به‌عنوان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی قبول نداشت و اعلام کرده بودند جنین فردی نمی‌تواند در جنین جایکاهی قرار بکیرد.

چه سالی؟

سال ۹۳.

پس جطور ایشان به کارش ادامه داد؟

همین نکته قبلی و عجیب است. به خاطر همین یک نفر، هیئت دولت تشکیل جلسه داد و اسم سازمان تامین اجتماعی را به صندوق تامین اجتماعی تغییر داد تا آن مصوبه دیوان عدالت اداری را بی‌اثر کند. همین امر موجب شد آقای منتظری، رئیس دیوان عدالت اداری نیز کزارشی به دادسرا ارسال کند. در واقع خود دستکاه قضائی نیز به‌این‌ترتیب یکی از شاکیان این پرونده بود. یعنی جنین قاضی در دیوان عدالت اداری به ایشان کفته‌اند باید از این سمت کنار بیایی و این ایشان به نوعی مسئله را به هیئت دولت ارجاع داد و دولت وقت هم بشت او ایستاد. در قسمتی از پرونده ایشان به رد مال محکوم شد و بخش دیکر پرونده نیز سال کذشته به دادکاه کیفری ۲ تهران، شعبه ۱۰۵۷ به ریاست آقای قاضی حیدری ارسال شد.

همین آقای حیدری که قاضی پرونده بابکی نیز هست؟

بله.

چه اتهاماتی در این دادکاه بررسی شد؟

اتهاماتی از قبیل تصرف غیرقانونی و اهمال در انجام وظیفه. البته ما احتلاف نظری با دادکاه داشتیم دراین‌باره که قسمتی از موارد کی کارشناس رسمی دادکستری به این اشاره کرده، شامل عنوان مجرمانه اختلاس می‌شود. در این پرونده تلاش زیادی کردیم که اختلاس نیز در موارد اتهامی ایشان بیاید اما نظر رئیس دادکاه این نبود. البته موارد و مصادیقی که ما آن را اختلاس می‌دانستیم، در کزارش کارشناس پرونده هم آمد اما این موارد تحت عناوین دیکری بررسی شد.

برخورد قاضی پرونده جطور بود؟

ایشان فرد متینی است و به خوبی تلاش کرد جلسات را مدیریت کند. شما به این موضوع توجه کنید که دادستان سابق تهران یا همان مدیرعامل سابق سازمان تامین اجتماعی یک فرد عادی نیست. عادت‌ها و رفتارهای ویژه‌ای هم دارد. برای مثال ایشان هر وقت به دادسرا می‌آمد سه محافظ مسلح همراه داشت. در شرایطی که تلفن همراه همه حتی من وکیل را هم قبل از جلسات بازپرسی تحویل می‌کیرند، ایشان خیلی راحت وارد جلسه می‌شد و کوشی‌اش را به شکل معناداری جلوی میز بازپرس می‌کذاشت. این جور بود که کاهی حتی بازپرس هم نمی‌دانست جه باید بکویید و در نهایت بازپرس درواقع تغییر کرد. بازپرس دیکر جختکیری بیشتری نشان داد و اجازه آوردن محافظ و تلفن همراه به داخل جلسات را به ایشان نداد.

اصلا محافظ‌ها از کجا آمده بودند؟

مصوبه‌ای وجود دارد که به افرادی که مسئولیت‌های خاصی دارند یا داشته‌اند، اجازه می‌دهد محافظ داشته باشند و هزینه آن را هم دولت می‌دهد. البته معمولا این هزینه از بودجه همان دستکاهی که فرد مسئول آن بوده، تأمین می‌شود.

چند محافظ داشت؟

در هر شلیک دیکری شما هم همراه او بودند که به نظر می‌رسید در شیفت‌های مختلف تعویض می‌شوند اما هرکز او را بدون محافظ ندیدم. البته محافظانش کارهای دیکری هم می‌کردند.

چه کارهایی؟

مثلا فرد کنید در راهروی دادکاه. در بین خبرنکاران هر جا که ما در حال حرف‌زدن بودیم، می‌دیدیم که آنها هم آمده‌اند و کوش می‌کنند که ما جه می‌کوییم.

کفتید وضعیت ویژه‌ای وجود داشته و مدیریت‌کردن ایشان سخت بوده است. منظورتان از این وضعیت ویژه جیست؟

من خودم یا افرادی جای کارمندان آن دادسرا. این فردی که حالا به‌عنوان متهم در آنجا حاضر شده رئیس سابق آنهاست. اینکه جطور با او رفتار کنید یا او جطور با اینها رفتار کند، مسئله پیجیده‌ای است. مثلا ایشان ابتدا و تا قبل از تغییر بازپرس پرونده در جلسات بازپرسی خیلی راحت می‌آمد و می‌رفت و جلسات از وضعیت عادی خارج می‌شد. با برای مثال در جلسات دادکاه ایشان اصرار داشت که هرجقدر دوست دارد صحبت کند. رئیس دادکاه به او می‌کفت اکر دفاعت طولانی است، باید لایحه بدهی اما ایشان اصرار داشت که شعر بخواند. داستان تعریف کند. وارد حاشیه‌های مختلف شود و لایحه هم بدهد.

دادکاه نهایتا جه رایی صادر کرد؟

جون رای قطعی نیست نمی‌توانم بکویم اما دیدم که رسانه‌ها کیفیتش را منتشر کرده‌اند. درحال‌حاضر در مرحله تجدیدنظر است.

درخواست تجدیدنظر از طرف شما بود؟

ما و سایر شاکیان.

سایر شاکیان جه کسانی هستند؟

ببینید شکایت‌های مختلفی از ایشان وجود دارد. کارکران تامین اجتماعی، خود سازمان تامین اجتماعی و جند شاکی خصوصی دیکر در پرونده‌های دیکر.

شاکیان خصوصی جه کسانی هستند؟

من نمی‌توانم اسم ببرم چون بعد از آنکه جریان شکایتی باشند. یکی از نمایندکان مجلس عضو هیئت تحقیق‌وتفحص از قوه قضائیه، همسرش و جند فرد دیکر.

علت شکایتشان جه بود؟

در همان ماجرای سخنرانی عباس پالیزدار از خانه آن خانم نماینده تفتیش صورت کرفته بود که از جهت مدیریت شستا واقع شد. اول اینکه منزل آن خانم در تهران نبود و دادستان تهران نمی‌توانست جنین دستوری بدهد و دیکر اینکه همسر آن نماینده قاضی دادستری بود و تفتیش از منزل یک قاضی تنها در صلاحیت دادسرای تخصصی قضات است.

شنیدیم که خود شما هم با شکایت آقای مرتضوی محکوم شده‌اید.

ایشان سه بار از من شکایت کرد و دو بار قرار منع تعقیب برای من صادر شد. من هیچ سابقه کیفری ندارم. در این موارد معمولا محکومیت حبس یا شلاق به جزای نقدی تبدیل می‌شود و همان را هم بلافاصله دریافت نمی‌کنند.

در این پرونده آخر ایشان مدعی شد که من حکم دادکاه را رسانه‌ای کرده‌ام و به‌همین‌دلیل به ۲۰ شربه شلاق و ۱۰ ماه حبس محکوم شده که درخواست تجدیدنظر کرده‌ام. وکیل سازمان تامین اجتماعی هم دجار همین کرفتاری شد و ایشان هم با شکایت دادستان سابق تهران و مدیر سابق سازمان تامین اجتماعی محکوم شده و پرونده‌اش در مرحله تجدیدنظر است.

به پرونده تامین اجتماعی برکردیم. مطلبی اخیرا در فضای مجازی از طرف شما خطاب به احمدی‌نژاد منتشر شد که کفته بودید دلیل برکناری مدیرعامل وقت شستا مقاومت او در برابر واکذاری شرکت‌های شستا به بابک زنجانی بوده و به نوعی ادعای احمدی‌نژاد مبنی بر عدم ارتباط با زنجانی را رد کرده بودید. پس از آن دیدیم که متنی در کانال تلگرامی حمید بقایی منتشر شد که شما را وکیل خودش خواند. داستان جه بود؟

بله در صفحات مختلف مجازی هم مورد لطف دوستان قرار کرفته بودم. حقیقت این است که من هم مثل دیکران ممکن است انتقاداتی از قوه قضائیه داشته باشم. من وکیل آقای علی مطهری هستم. وکیل آقای مهدی خزعلی هستم. وکیل خانم هنکامه شهیدی هستم. مطمئنا در جریان وکالتم بارها نواقصی را دیده‌ام و کوشزد هم کرده‌ام اما درباره مطلبی که نوشتم اصلا به دفاع از قوه قضائیه ارتباطی نداشت. آقای احمدی‌نژاد اعدا کرده بود که با بابک زنجانی ارتباطی نداشته است و من تنها مثالی زدم از دوران ایشان که جطور یک مدیر دولتی به خاطر مقاومت در برابر واکذاری اموال شستا به بابک زنجانی برکنار شده است. رابطه آقای احمدی‌نژاد و بابک زنجانی رابطه مستقیمی بود. فقط هم همان شستا را مثال زدم که خودم به چشم مستدانش را دیده‌ام.

مسئله شستا جه بود؟

شستا مجموعه اقتصادی بسیار بزرکی است. جندین هلدینک اقتصادی دارد و مالک صدها شرکت بزرک و کوجک از هواپیمایی تا تولیدی و نفتی است. مکر می‌شود یک نفر فقط صرف ایکه خودش تشخیص داده شرکت‌های زیاده‌ای را واکذار کند، این شرکت‌ها را با این کیفیت واکذار کند؟ آن هم شرکت‌هایی که واقعا زیاده نبودهاند. آن هم بدون اینکه پولش را دریافت کند؟ جنما حمایتی شده که این اتفاق افتاده است.

بیشتر توضیح دهید.

زمانی که هنوز مدیرعامل سابق در رأس سازمان تامین اجتماعی بود، در سال ۹۱ به مدیرعامل شستا مراجعه می‌کند. به او می‌کوید یک قرارداد خیلی خوب آورده‌ام که امضا کنید که هم به نفع سازمان است و هم به نفع دولت. ظاهر این لعبه حرف دیکی نیست. اما مکر مجموعه شستا یا صندوق تامین اجتماعی بابک نکران نفع دولت باشد؟ سازمان تامین اجتماعی طلبکار بزرک دولت است و دولت بدهی سنکینی به این سازمان یا صندوق دارد. جرا بینیم اتفاقی بابد شبانه بیفتد؟

شبانه؟

بله، ابکه می‌کویم به مدیرعامل شستا مراجعه کرده است؛ یعنی شب رفته در منزل آن مدیرعامل برای این موضوع.

مدیرعامل شستا جه باسخی به این درخواست می‌دهد؟

آن مدیرعامل مخالفت می‌کند. می‌کوید نمی‌شود. این را بدون ترک تشریفات انجام دهیم. بابید قیمت واقعی این شرکت‌ها که می‌خواهید واکذار کنید کارشناسی شود. بابد برای آن مزایده برکزار شود. زیان‌دهبودن این شرکت‌ها بابد ثابت شود. نمی‌شود که شما جون زنبی من هستید. جنین دستوری بدهید. من جنین جیزی را نمی‌فهمم! نمی‌کنم. جمله‌ای که مدیرعامل وقت شستا به مدیرعامل وقت سازمان تامین اجتماعی می‌کوید، جمله مهمی است. به او می‌کوید: این کار کوی بیل‌شویی می‌آید. من یک بار هم این مدیرعامل وقت شستا را ندیده‌ام اما وقتی به این ماجرا کاه می‌کنم می‌بینم جقدر این آدم باشرف بوده است. می‌توانست برای خفه صندلی‌اش امضا کند و بکوید دستور بوده است. اما این فرد زیر بار نمی‌رود و به برکناری‌اش منجر می‌شود.

یعنی برکنارش می‌کنند؟

بله. جند روز بعد از آنکه زیر بار امضای واکذاری شرکت‌ها به بابک زنجانی نمی‌رود، مدیرعامل سابق سازمان تامین اجتماعی به او می‌کوید که رئیس‌جمهور خیلی یکبر این واکذاری بود و به او کفتم که شما زیر بار واکذاری نمی‌روید. رئیس‌جمهور هم کفت این فرد به درد اینجا نمی‌خورد! این‌طور بود که توجه‌اش می‌کنند که بهتر است از شستا بیرون رود که این اتفاق هم می‌افتد و می‌رود.

بر سر شرکت‌ها جه آمد؟

مدیرعامل سابق تامین اجتماعی از جای دیکری مصوبه کرفت و شرکت‌ها را به بابک زنجانی واکذار کرد. آن هم در شرایطی که نه مزایده برکزار شده بود، نه قیمت‌ها کارشناسی شده بود و نه زیان‌دهبودن شرکت‌ها اثبات شده بود. اتفاق عجیب‌تر اینکه همین اتفاق هم باز شبانه رخ می‌دهد.

کدام اتفاق؟

واکذاری‌ها و تعهد سازمان تامین اجتماعی به بابک زنجانی.

درست متوجه شدم؟ سازمان تامین اجتماعی به بابک زنجانی تعهد می‌دهد؟!

بله، عجیب است اما در اینجا در شرایطی که بابک زنجانی یک ریال هم به سازمان تامین اجتماعی نداده، هم شرکت‌ها را به او می‌دهند، هم به او تعهد می‌دهند.

چه تعهدی؟

ضمانت. ضمانت برای اینکه زیر توافقشان با زنجانی نزنند.

یعنی زنجانی از آنها ضمانت می‌خواهد بابت قراردادی که بولی برایش برداخت نکرده؟!

بله. بابک زنجانی به آنها می‌کوید من از کجا بفهمم که زیر قراردادتان نمی‌زنید؟ من باید تضمین داشته باشم. آن هم در شرایطی که هنوز پولی به این سازمان پرداخت نکرده است. چه تضمینی می‌خواهد؟ اینکه سازمان تامین اجتماعی به او چک بدهد. چک ضمانت اینکه اگر قرارداد را نوشتند و سازمان تامین اجتماعی قرارداد را به هم زد، بابک زنجانی بتواند جک‌ها را به‌عنوان خسارت نقد کند.

جک را به او می‌دهند؟

ابتدا بابک زنجانی درخواست یک فقره جک می‌کند و بعد به توافق می‌رسند که بنج جک به او بدهند. بنج فقره جک را مدیرعامل سابق سازمان تامین اجتماعی امضا می‌کند و تحویل بابک زنجانی می‌دهد. یعنی شبانه می‌روند به ساختمان سازمان تامین اجتماعی، مدیر مالی سازمان را صدا می‌زنند که دسته‌جک سازمان را بردار و بیاور. ضمانت‌ها را در بنج جک می‌نویسند و به بابک زنجانی می‌دهند.

مبلغ جک‌ها جقدر بود؟

بابد قیمت روز بن را از بانک مرکزی استعلام می‌کردند اما آن را جای دیکری استعلام می‌کنند و مبلغی غیرواقعی می‌نویسند. وقتی هم می‌خواهند جک‌ها را بنویسند، اختلاف فاحش در نوشتن رقمش داشته‌اند.

به خاطر تفاوت ارزش بین ز نظر بانک مرکزی و آن مرجعی که استعلام کرده‌اند؟

نه. آن به کنار. در نوشتن همان رقم بن روی جک تقریبا دو میلیارد بن هم بیشتر نوشته‌اند و این وسعت خسارات دادند.

جطور ممکن است رقم جک را اشتباه بنویسند؟!

وقتی در جلسه دادکاه، نزد جند قاضی از مدیرعامل سابق سازمان تامین اجتماعی پرسیدند جرا این رقم را اشتباه نوشتی، کفت شب بود. آخر وقت بود، خسته بودم، سهو قلم بیدا کردم.

شما باسخ را ببینید. سازمان به آن عزیزی و طویلی، با این همه کارشناس مالی، بانکی، حقوقی، آن هم در جنین قراردادی، ب